

## مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری:

### تبیین بر تجلی حقوق شهروندی در حکمرانی خوب

محمد رضا بابایی (عضو هیات علمی واحد علوم تحقیقات تهران)

سید محمود حسینی (دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی واحد علوم تحقیقات [hosseini@usc.ac.ir](mailto:hosseini@usc.ac.ir))

محمد رضا ثمودی (دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی واحد علوم تحقیقات [mrsamoodi@yahoo.com](mailto:mrsamoodi@yahoo.com))

#### چکیده:

شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی دارد. حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. شهروندان باید ضرورت مشارکت در فرایند سیاسی را به خوبی درک کرده و بدانند که دولت اثربخش در رابطه ای دوطرفه قادر به فعالیت است و بدون حمایت و مشارکت عامه مردم نمی‌تواند به خوبی از عهده وظایف بر آید در این صورت، مردم از طرفی دولت را از خود می‌دانند و به یقین می‌رسند که می‌توانند در خط‌مشی گذاری در نهایت سرنوشت خود تاثیر بگذارند. از طرفی برای اینکه یک حکمرانی، حکمرانی خوب تلقی گردد ضروریست کارکردهای مشارکت جویی، نگرش استراتژیک، قانون‌گرایی، شفافیت، اجماع آراء، عدالت جویی، سودمندی و کارایی و پاسخگویی را دارا باشد. در این نوشتار سعی بر آن بوده است تا با مرور ادبیات این حوزه تجلی حقوق شهروندی در حکمرانی خوب از طریق بررسی مفهوم مشارکت شهروندان در خط مشی گذاری، تبیین گردد.

**واژگان کلیدی:** حقوق شهروندی، مشارکت شهروندان، خط مشی گذاری عمومی، حکمرانی خوب

از جمله مفاهیم نو پدیدگی که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است، مقوله «شهروندی»<sup>۱</sup> بوده و زمانی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. یکی از این مسوولیت‌ها و حقوق متقابل، مشارکت شهروندان در فرایند خط‌مشی‌گذاری و تعیین سرنوشت خود می‌باشد.

## ۲- مرور ادبیات

### ۲-۱- شهروندی

شهروندی همانطور که روشن است از مشتقات شهر<sup>۲</sup> است. شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری عدالت و استقلال دلالت دارد. شهروندی عضویت فعال یا غیرفعال فرد در دولت با حقوق جهانی معین و برابری در تعهدات در سطح مشخص شده است.

شهروندی جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت با سه نوع حق شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی همراه است. شهروندی منزلتی را نشان می‌دهد که با قانون اعطا می‌شود. در عین حال، این مفهوم نشان می‌دهد که اشخاص به اعتبار جایگاهشان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوقی هستند. بر اساس این رویکرد، چون افراد در زندگی مشترکی سهیم می‌شوند، پس دارای حقوق و وظایفی نیز هستند، از این رو به سبب همان زندگی مشترک، خواه در فعالیت اقتصادی یا امور فرهنگی و تعهد سیاسی، همگان از لحاظ اخلاقی نسبت به یکدیگر وظایفی دارند. شهروندی در واقع شرایط عضویت در واحدی سیاسی (معمولا دولت ملی) است که از حقوق و امتیازات ویژه کسانی محافظت می‌کند که وظایف معینی را انجام می‌دهند. شهروندی بیش از آنکه نظریه باشد، مفهومی است که به شرایط مشارکت کامل در یک جامعه رسمیت می‌دهد. مفهوم شهروندی معرف نقطه اتصالی میان جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. با نگاهی به ادبیات گسترده نظریه‌های شهروندی می‌توان دریافت که این تعاریف هسته‌های مشترکی دارند، نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، استعاری و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۴).

در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیف‌هایی به عهده دارد. این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی رابطه شهروندی را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند. شهروندی در عین حال منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود. مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است و اساسا کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمانبردار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و

<sup>1</sup> Citizenship

<sup>2</sup> City

دولت این حقوق را رعایت و از آنها حمایت کند. اگر چه ملیت را اغلب به معنای شهروندی به کار می‌برند ولی ملیت معنایی وسیعتر از شهروندی دارد (کامیار، ۱۳۸۷، ۲۸).

## ۲-۲- ابعاد شهروندی

از دیدگاه جامعه‌شناختی، شهروندی بیشتر به‌عنوان مجموعه‌ای از کنش‌های فرهنگی، نمادین، سیاسی و اقتصادی دانسته می‌شود که هویت فردی و عضویت اجتماعی را بازتاب می‌بخشد. در این تلقی، عضویت اجتماعی و هویت فردی واجد مناسباتی فرهنگی در ارتباط با مقوله شهروندی و «فرهنگ مدنی» است که می‌توان آن را به‌عنوان حوزه کنش شهروندی دانست و در شکل نهایی، رفتار افراد را در قالب مجموعه‌ای از ارزش‌ها و فضیلت‌های عمومی کدبندی (نشانه‌گذاری) می‌نماید. (Turner, 2001:12)

«شهروندی در نگاه جامعه‌شناسان فراتر از یک رابطه حقوقی و مرتبط با نوعی سرمایه‌گذاری فرهنگی است که احساس تعلق افراد را به جهان اجتماعی‌شان رقم می‌زند. در این تلقی فرد برای اینکه شهروند قلمداد شود، نباید صرفاً به‌صورت رسمی به‌جایی تعلق داشته باشد، بلکه همچنین باید احساس کند که این تعلق واقعی و تعیین‌کننده عمل و جهت‌گیری‌ها است (Stevenson, 2001:62). از این منظر، «ژان ژاک روسو»، شهروند را فردی معرفی می‌کند که پیوسته به دنبال یک حس جمعی است و می‌خواهد در امور جامعه‌اش فعال باشد. از نظر الکسی دو توکویل، شهروند یک خود تقسیم‌شده است که میان انزوای خویش و اهدافی مشترک گرفتار آمده است (معینی علمداری، ۱۳۸۳، ۸۷).

از چشم‌انداز حقوقی، حوزه شهروندی معمولاً از طریق تعاریف انتزاعی حقوقی و در رابطه با کسانی که در داخل یا خارج جامعه سیاسی هستند مشخص می‌شود. در این معنا، شهروندی ممکن است به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق و وظایف قلمداد شود که جایگاه افراد را در درون جامعه تعریف و مشخص می‌کند. اهمیت این جایگاه حقوقی در آن است که در، درون خود حامل روابط دوجانبه‌ای در رابطه با حق عضویت اجتماعی و حق برخورداری از منافع است (Turner, 2001:11). در این چارچوب، منتسکیو، «شهروند را یک امر برساخته شده حقوقی می‌داند که هدف از کاربرد آن برقراری نظم است یا امانوئل کانت، شهروند را یک عضو تابع قانون می‌داند»، (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۸۷). بنابراین، شهروندی از منظر حقوقی، یک موقعیت جهت عضویت است که متضمن مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری افراد، عدالت و حق تعیین سرنوشت و استقلال آن‌ها دلالت دارد. در این وجه از مقوله شهروندی به‌جای تأکید بر کنش جمعی بر شأن و جایگاه افراد تأکید می‌شود که آن‌ها را شایسته برخورداری از مجموعه‌ای از حقوق و وظایف سیاسی، مدنی و اجتماعی می‌نماید. به‌طور کلی، شهروندی نه مفهومی صرفاً جامعه‌شناختی و نه صرفاً حقوقی است، بلکه چیزی میان این دو است. یعنی هم واجد خصیصه‌هایی است که زمینه‌های سرمایه‌گذاری فرهنگی و کنش جمعی را فراهم می‌آورد و هم تضمین‌کننده حقوق و وظایف سیاسی، مدنی و اجتماعی افراد متناسب با شأن و جایگاه آن‌هاست.

## ۲-۳- حقوق شهروندی<sup>۳</sup>

حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند گفته می‌شود. بنابراین تعریف «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می‌باشد که چگونگی روابط مردم و دولت و موسسات شهری، و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم مینماید که منشعب از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است و بمنظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است. در واقع حقوق شهروندی اطلاق عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند.

<sup>3</sup> Citizenship Rights

دارنده این حقوق یعنی شهروند، به تک تک افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، اطلاق می‌شود، فراتر از مفهومی تحت عنوان تابعیت، بدون اعتنای به سلسله مراتب، موقعیت‌هایی متمایز برای افراد، وجود شرایطی برای به رسمیت شناخته شدن، حاکمانی خاص و حکومت شونده‌گان خاص و در مقابل مبتنی بر رابطه‌ای چندسویه بین دولت، جامعه و شهروندان و وجود یک اخلاق مشارکت و موقعیتی فعالانه. به عبارتی دیگر مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض، برای فراهم‌سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می‌گیرد، حقوق شهروندی نام دارد (قاضی پور، ۱۳۹۵).

## ۲-۴- حکمرانی خوب<sup>۴</sup>

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمرانی خوب است. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. حکمرانی ایده جدیدی است که جایگزین مفهوم حکومت شده است. طبق مفهوم فوق، تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر و کلان‌شهرها با اجماع کل صاحبان منافع دخیل در شهر صورت می‌گیرد. برای هموار سازی بستر تحقق‌گذار از حکومت‌گرایی به شهروندمداری نیازمند آموزش‌های جدید برای ایجاد و تثبیت حاکمیت قانون و حقوق شهروندی، وفاق‌گرایی، مشارکت، پاسخگویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی هستیم که ضرورت اخذ آن هم برای شهروندان و هم مدیران و کارگزاران شهری روشن و واضح است. برنامه ریزی‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌های از بالا به پایین و آمرانه که توسط دولت مرکزی صورت می‌پذیرفت، توسط مدیریت مشارکتی که مبتنی بر حکمرانی خوب است، به چالش کشیده شده است. مفهوم حکمرانی بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی استوار است که حکومتها به جای آنکه به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و نهادهای مردمی، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند. با این تعبیر، حکومت نقش تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز توسعه جامعه را در سطوح ملی، محلی و شهری ایفا می‌کند. با ورود شهروندان یا به مفهوم سازمان یافته تر آن، جامعه مدنی، به عرصه تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری، جریان اداره کشور از یک نظام اقتدارگرا و آمرانه به فرایندی مردم سالار و مشارکتی تبدیل خواهد شد.

## ریشه حکمرانی و حکمرانی خوب و تفاوت آن با حکومت

ریشه یابی واژه حکمرانی ما را به واژه یونانی kubernan (راهبری یا هدایت کردن) می‌رساند، واژه‌ای که افلاطون آنرا برای چگونگی هدایت یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به واژه Gubernane تبدیل شده است که بر راندن، حکمروایی کردن یا راهبری دلالت دارد. در اینجا حکمرانی "عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت" است (کاپر، ۱۳۸۶، ۳). مرکز سکونت‌گاههای انسانی سازمان ملل متحد<sup>۵</sup> حکمرانی را بدین صورت تعریف می‌کند: "حکمرانی مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است" (UN-HABITAT, 2002:5).

هنگامی که واژه حکمرانی را بکار می‌بریم باید به دو نکته توجه داشته باشیم. نخست اینکه، حکمرانی، حکومت نیست. حکمرانی بعنوان یک مفهوم، مشخص می‌سازد که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت وجود دارد. غالباً، حکمرانی سه گروه اصلی از بازیگران را شامل می‌شود: حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی. دوم اینکه، حکمرانی بر

<sup>4</sup> Good Governance

<sup>5</sup> UN-HABITAT

«فرایند» تأکید دارد و مشخص می‌سازد که تصمیمات با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران با اولویتها و سلاقی متفاوت گرفته می‌شوند. حکمرانی، توافقی را بین اولویتها و سلاقی رقیب و متضاد برقرار می‌کند و این، اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است (UN-HABITAT, 2002).

برای اداره امور عمومی دو پارادایم وجود دارد. در پارادایم نخست که حکومت نام دارد مسئولیت تمام امور را برعهده دارد. حکومت موظف است که تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی و یا شهروندان فراهم کند. در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به شمار می‌روند. ضمن آنکه هر سه بخش مذکور در تعامل با یکدیگر قرار دارند به گونه‌ای که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها تعادل اجتماعی را بر هم خواهد زد. لذا ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه بخش امکان بهتر زیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم خواهد کرد (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱، ۹).

«اتکینسن» می‌گوید این مفهوم، ماهیت پیچیده جوامع را بهتر منعکس می‌کند و نشان دهنده چند رویداد است:

رشد این تفکر که حکومت دیگر قادر به پاسخ دادن به مسایل پیچیده اداره امور عمومی نیست.

ظرفیتهای حل مسأله از طریق حکومت برای چنین وظیفه‌ای کافی نیست و بازار باید نقش مهم تری را برعهده گیرد.

در پرتو ناتوانی آشکار نظریه‌ها و راه‌حلهای تحت هدایت بازار، برای پاسخ مناسب به مسایل نابرابری، فقر و محرومیت اجتماعی و تحت فشار برای کاهش بیشتر هزینه‌های اجتماعی حکومت، دادن نقش مهم تر به اجتماع و بخشهای دواطلب برای حل مسایل اجتماعی و تأمین خدمات (McKinlay, 1999).

حکمرانی خوب نیازمند ساز و کارهایی است که از طریق آن شهروندان بطور عادی بتوانند در فرایند خطمشی‌گذاری، مشارکت نمایند. دولت‌ها واهمه دارند که با این کار، فرایند خطمشی‌گذاری کند شود در حالیکه هر اندازه فرایند خطمشی‌گذاری فراگیرتر باشد، سیاست‌ها، قوانین و رویه‌های اداری حاصله از چنین فرایندی، قابل اجراتر و مسئولانه تر خواهد بود. چهار رکن اصلی حکمرانی خوب عبارتند از:

۱. بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به عهده دارد.

۲. بخش‌های خصوصی که عهده دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب و کار را بر عهده دارند.

۳. جامعه مدنی که فراهم کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است.

۴. سازمان‌های محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگ‌های بومی را به عهده دارند.

تعامل خوب و روان بین ارکان فوق‌زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم می‌آورد. حکمرانی خوب صرفاً انجام وظایف نیست بلکه چگونگی و شیوه انجام وظایف را نیز شامل می‌شود. هدف‌ها و روش‌ها، هر دو اهمیت یکسانی برای حکمرانی خوب دارند و لذا هر کشوری می‌تواند شرایط حکمرانی خوب را با فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود بیامیزد و آن را بومی نماید. حکمرانی خوب نباید همراه خود، فرهنگ و ارزش‌های خاص را تحمیل نموده یا ارزش‌های نادرست را دامن بزند.

## ویژگی‌های حکمرانی خوب

حکمرانی خوب دارای ۸ مؤلفه اصلی است. حکمرانی خوب تضمین‌کننده کمینه شدن فساد، احترام به نظر اقلیت‌ها و اقلشار آسیب‌پذیر در انجام تصمیم‌گیری است. همچنین حکمرانی خوب در قبال نیازهای کنونی و آینده جامعه مسوول است (UN-HABITAT, 2006).

## ۱- مشارکت<sup>۶</sup>

مشارکت سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب به شمار می رود. مشارکت مردم می تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آنها یا نمایندگان منتخبشان باشد. البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات اقشار آسیب پذیر در اتخاذ سیاستها نیست بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق می گردد (UN-HABITAT,2006).

## ۲- حاکمیت قانون<sup>۷</sup>

حکمرانی خوب نیازمند چارچوبهای قانونی بی طرفانه ایست که غیر مغرضانه اجرا شوند. خصوصاً باید حقوق بشر و در رأس آن حقوق اقلیتها حفظ گردد. اجرای بی طرفانه قانون تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام پذیر است (UN-HABITAT,2006).

## ۳- شفافیت<sup>۸</sup>

شفافیت به معنای اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها مطابق قوانین ومقررات است. همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می تواند بر زندگی آنها تأثیر گذار باشد. در این

راستا باید اطلاعات کافی تهیه گردد و به صورت قابل فهم در اختیار عموم قرار داده شود

(UN-HABITAT,2006).

## ۱- مسئولیت پذیری<sup>۹</sup>

در حکمرانی خوب سازمانها و نهادها باید در خدمت ذی نفعان باشند و در قبال وظایف محوله مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه می بایست توسط سازمان و بخش مربوطه مدیریت شود و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند. فرافکنی و توهم توطئه از جمله مواردی هستند که همواره برای فرار از مسئولیت پذیری به کار گرفته شده اند (UN-HABITAT,2006).

## ۲- اجماع محوری<sup>۱۰</sup>

در سطح جامعه کنشگران زیادی با نقطه نظرات مختلف حضور دارند. حکمرانی خوب می بایست منافع متفاوت گروههای گوناگون را با دستیابی به یک اجماع گسترده فراهم نماید. تصمیم گیری مبتنی بر اجماع فرایندی است که در آن قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه پیرامون موضوعات است. اجماع محوری نیازمند درک درستی از دورنمای بلند مدت توسعه انسانی پایدار و شیوه رسیدن به اهداف در این نوع از توسعه است (UN-HABITAT,2006).

<sup>6</sup> Participation

<sup>7</sup> Rule of Law

<sup>8</sup> Transparency

<sup>9</sup> Responsiveness

<sup>10</sup> Consensus oriented

## ۱- تساوی حقوق و جامعیت<sup>۱۱</sup>

رفاه و سلامت در یک جامعه زمانی بوجود می آید که تمام اعضای آن احساس کنند در جریان تحولات آن قرار دارند و به نوعی خود را عضو تأثیر گذار پندارند. این موضوع جز با ایجاد فرصت برای اقشار آسیب پذیر جهت بهبود وضعیت رفاه و آسایش خود میسر نمی شود  
(UN-HABITAT,2006)

## ۲- پاسخگویی<sup>۱۲</sup>

پاسخگویی یک نیاز کلیدی برای حکمرانی خوب به شمار می رود. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمانهای غیر انتفاعی و غیر دولتی نیز باید به عموم مردم، خاصه ذینفعان خود، پاسخگو باشند. اینکه پاسخگویی از طرف چه کسی و به چه فردی است بر حسب نوع تصمیمات و فعالیتهای سازمانها و افراد متغیر است. در حالت کلی هر سازمانی در قبال کسانی که به وسیله کارهای انجام شده توسط سازمان تأثیر می پذیرند، پاسخگوست. نکته مهم اینجاست که پاسخگویی تنها از طریق اعمال شفافیت و حاکمیت قانون اجرایی می شود (UN-HABITAT,2006).

## ۳- کارآیی و اثر بخشی<sup>۱۳</sup>

حکمرانی خوب به معنای آنست که فرایندها و نهادها در راستای نیاز جامعه عمل کنند و بهترین استفاده را از منابع بنمایند. مفهوم کارآیی در زمینه حکمرانی خوب در بر گیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست نیز هست و فقط به معنای فنی کارآیی نیست (UN-HABITAT,2006).

## ۲-۴- مشارکت عمومی

همانطور که گفته شد اولین ویژگی حکمرانی خوب، مشارکت عمومی است. مشارکت عمومی نوعی از رابطه متقابل بین دولت و شهروندان است. روابط دولت- شهروند به اشکال مختلف وجود دارد؛ ولی همه این روابط در حوزه مشارکت عمومی نیستند. اغلب این روابط را به ۴ دسته تقسیم می کنند: اطلاع رسانی، تحقیقات، مشاوره و نظرخواهی، و مداخله. که در این بین تنها مشاوره و نظرخواهی، و مداخله اشکالی از مشارکت عمومی می باشند:

## ۱- اطلاع رسانی

نوعی رابطه یک طرفه که در آن دولت اطلاعات را بین شهروندان توزیع می کند. اطلاع رسانی ممکن است موقع تبلیغ مقدمات یک خط مشی جدید و یا در زمان تغییر در رویهها از طریق اطلاع رسانی اینترنتی و یا توزیع اعلامیههای کاغذی تبلیغ فعالیتها و نمایشگاهها مورد استفاده قرار گیرد. اطلاع رسانی جزء فعالیتهای مشارکت عمومی نیست. با این که اطلاع رسانی به تنهایی مشارکت را ایجاد نمی کند؛ ولی اغلب مردم برای مشارکت در خط مشی گذاری به آن نیازمند هستند.

## ۲- تحقیقات درباره افکار عمومی

<sup>11</sup> Inclusiveness

<sup>12</sup> Accountability

<sup>13</sup> Efficiency and Effectiveness

فرایندی است که توسط آن سیاستگذاران از افکار گروه‌های مردم و بخش‌های ویژه جامعه از طریق روش‌های اغلب کمی مطلع می‌شوند و از آنها برای آگاه کردن مردم استفاده می‌کنند. پاسخ‌دهندگان اغلب به صورت ناشناس شرکت می‌کنند. تحقیقات ممکن است موقع سنجش افکار عمومی درباره سیاست‌های مختلف اجرا شود. از روش‌های کمی می‌توان به انجام نظرسنجی و از روش‌های کیفی می‌توان به گروه‌های تمرکز اشاره کرد. این فرایند جزء فرایندهای مشارکت عمومی نیست.

### ۳- مشاوره و نظر خواهی

یک رابطه دوطرفه که در آن دولت پرسش می‌کند و بازخورهای شهروندان درباره پیشنهادات اولیه خط‌مشی را دریافت می‌کند. معمولاً مشاوره وقتی استفاده می‌شود که دولت برای جمع‌آوری دیدگاه‌های مردم و گروه‌های اجتماعی - مدنی درباره پیشنهاد اولیه یک خط‌مشی نیازمند پاسخ‌دهی گسترده مردم است. روش‌های مناسب می‌تواند مشاوره مکتوب، کارگاه‌ها، نظرسنجی‌ها، جلسات سازمان‌دهی شده عمومی و یا گروه‌های بازنگری باشد. مشاوره یکی از فرایندهای مشارکت عمومی است.

### ۴- مداخله

نوعی رابطه مبتنی بر مداخله و مشارکت مردم در دولت که در آن شهروندان فعالانه در تعریف فرایندها و ایجاد سیاست‌ها مشارکت می‌کنند. مداخله ممکن است شهروندان را مستقیماً درگیر توجه به پیشنهادات سیاست و ایجاد راه‌حل برای مشکلات کند. آنها می‌توانند شامل گروه‌های اجتماعی - مدنی باشند که برای کمک به ایجاد چارچوب‌های عملیاتی جدید، از طریق همکاری نمایندگان این گروه‌ها با دولت یا کمیته‌های ذینفعان، مشارکت می‌کنند. روش‌های مداخله و درگیر شدن مردم می‌تواند شامل رفراندوم، هیأت‌های ژوری شهروندی، گروه‌های بزرگ شهروندی یا تفویض اختیار مستقیم به شهروندان برای تصمیم‌گیری باشد. در مداخله، مشارکت و تعامل مردم بیشتر و فعالانه‌تر از روش‌های دیگر است. مداخله از فرایندهای مشارکت عمومی محسوب می‌شود (Cabinet Office, 2003).

### ۵- ارتباط حکمرانی خوب و حقوق شهروندی

یکی از مصادیق حکمرانی خوب در زمینه رعایت حقوق شهروندی مشارکت شهروندان در عرصه خط‌مشی گذاری عمومی است (خودم).

مشارکت عامه شهروندان در تصمیم‌گیریها و اتخاذ خط‌مشی‌های عمومی، از گذشته‌های بسیار دور مورد توجه علما و اندیشمندان مدیریت بوده و همواره به عنوان یکی از شیوه‌های انسجام اجتماعی معرفی شده است. سلیزنیک در مقاله کلاسیک خود تحت عنوان ساز و کارهای جذب عوام تهدید کننده، مشارکت را تنها راه تنش زدایی میان قدرت قانونی سازمان‌ها و قدرت اجتماعی شهروندان می‌داند او معتقد است هرگاه شهروندان با مشارکت جذب سازمان‌های دولتی شوند از حالت تهدیدی خارج شده و به صورت یک فرصت در کنار مدیران دولتی قرار می‌گیرند (سلیزنیک، ۱۹۴۹).

مشارکت عامه شهروندان در سازمان‌های دولتی و مسئله خط‌مشی گذاری‌های عمومی به نوعی دموکراتیزه شدن بنیادی منجر می‌گردد و شهروندان را از حالت بی تفاوتی نسبت به دولت خارج ساخته و آن‌ها را معتقد به سرنوشت خود در جامعه می‌سازد. دموکراسی و مردم سالاری در مدیریت دولتی متکی به گسترده ساختن ایده مشارکت عامه مردم است اگر اجازه دهیم شهروندان دستی در حکومت داشته باشند، به آنان فرصت بالنده شدن داده ایم و نیروی عظیمی را برای پیشبرد اهداف دولتی بسیج کرده ایم (الوانی و شریف زاده، ۱۳۸۳).

### ۳-۱- اصول مشارکت فعال شهروندان در خط‌مشی گذاری

برای حداکثر کردن مزایای مشارکت عمومی سیاستگذاران می‌توانند از اصول توصیه شده زیر استفاده کنند:



## ۱- تعهد<sup>۱۴</sup>

در همه سطوح خط‌مشی‌گذاری به رهبری و تعهدی قوی برای اطلاع‌رسانی، مشاوره و مداخله فعال نیاز است. همه سیاستگذاران و مدیران ارشد تا مقامات اداری رسمی دولت باید چنین تعهدی داشته باشند.

## ۲- حقوق<sup>۱۵</sup>

حقوق شهروندان برای دسترسی به اطلاعات، فراهم کردن بازخور، مورد مشاوره قرار دادن و مداخله فعالانه در خط‌مشی‌گذاری باید خیلی سفت و سخت در قانون یا خط مشی زمینه‌سازی شود. در این قانون باید و تعهدات دولت برای پاسخگویی به شهروندان (وقتی موضوع حقوق آنها در میان است) به روشنی توضیح داده شود.

## ۳- وضوح<sup>۱۶</sup>

از همان ابتدا باید اهداف و محدودیت‌ها درباره اطلاع‌رسانی، مشاوره و مداخله فعال در خط‌مشی‌گذاری تعریف شود. نقش‌های پاسخگو و مسئولیت‌های شهروندان (برای فراهم کردن ستاده) و مسئولیت‌های دولت (در تصمیم‌گیری درباره مواردی که باید برای آنها پاسخگو باشد)، باید برای همه روشن باشد.

## ۴- زمان<sup>۱۷</sup>

مشاوره عمومی و مداخله فعال باید در زودترین زمان ممکن انجام شوند تا اجازه دهند طیف گسترده‌تری از راه‌حل‌ها و سیاست‌ها برای افزایش شانس بکارگیری موفق آنها ایجاد شود. برای این که مشاوره و مداخله اثربخش باشد، زمان باید کافی باشد. اطلاعات نیز در هر مرحله از چرخه سیاست مورد نیاز است.

## ۵- عینیت<sup>۱۸</sup>

اطلاعاتی که طی فرایند خط‌مشی‌گذاری توسط دولت ارائه می‌شود، باید عینی، کامل و قابل دسترسی باشد. براساس برابری حقوق شهروندان، همه باید در دسترسی به اطلاعات مساوی باشند.

## ۶- منابع

برای این که اطلاع‌رسانی عمومی، مشاوره و مداخله فعال در خط‌مشی‌گذاری اثربخش باشد باید میزان منابع انسانی، مالی و فنی و کافی باشد. مقامات دولتی باید دارای مهارت‌های مناسب باشند، کارکنان را رهبری کنند و در کنار یک فرهنگ سازمانی پویا باید در دوره‌های آموزشی شرکت کنند.

## ۷- هماهنگی<sup>۱۹</sup>

---

<sup>14</sup> commitment

<sup>15</sup> rights

<sup>16</sup> clarity

<sup>17</sup> time

<sup>18</sup> objectivity

فعالیت‌های مقدماتی اطلاع‌رسانی، درخواست بازخور از مردم و مشاوره از مردم باید هماهنگ باشد. این هماهنگی باید براساس واحدهای دولتی باشد تا مدیریت دانش را افزایش دهد، از جامعیت خط مشی اطمینان یابد. تلاش برای هماهنگی نباید ظرفیت واحدهای دولتی را کاهش دهد تا ما بتوانیم از نوآوری و انعطاف‌پذیری اطمینان پیدا کنیم.

## ۸- پاسخگویی ۲۰

دولت‌ها باید نسبت به این موارد پاسخگو باشند. استفاده از ستاده‌هایی که مشاوره با مردم و مداخله فعال شهروندان به شکل بازخور بدست می‌آید. معیارهای اطمینان از باز بودن فرایند خط‌مشی‌گذاری، شفاف بودن آن، حساس و پاسخگو بودن آن به بررسی و موشکافی خارجی و بازبینی برای افزایش پاسخگویی کل دولت، حیاتی است.

## ۹- ارزیابی ۲۱

دولت‌ها برای ارزیابی عملکردشان به ابزارها، اطلاعات و ظرفیت نیاز دارند تا در فراهم کردن دانش، هدایت مشاوره و درگیر ساختن شهروندان به منظور تطبیق با الزامات جدید و تغییر شرایط خط‌مشی‌گذاری موفق باشند.

## ۱۰- شهروندی فعال ۲۲

فعال بودن شهروندان و وجود یک جامعه مدنی فعال برای دولت‌ها مفید است. دولت‌ها باید به طور جدی دسترسی به اطلاعات و تسهیل مشارکت را فراهم کنند و در جهت افزایش آگاهی مردم و آموزش مدنی آنها و تقویت مهارت‌های آنان بکوشند. به علاوه دولت‌ها باید از ظرفیت‌سازی سازمان‌های جامعه مدنی حمایت کنند.

## ۳-۲- انتخاب استراتژی‌های موثر مشارکت موفقیت آمیز شهروندان در خط مشی گذاری عمومی

مشارکت موفقیت آمیز شهروندان در خط‌مشی‌گذاری عمومی بستگی به انتخاب استراتژی‌های موثر در این زمینه دارد. این استراتژی‌ها باید در برگیرنده هدف مشارکت و ماهیت موضوع مشارکت باشد. نویسندگان مختلف ملاحظه و بررسی دقیق هدف از مشارکت عامه مردم را امر مهم در فرایند مشارکت دانسته اند. به عنوان مثال، گریگتون هدف از مشارکت مردم را مبادله اطلاعات و مشروعیت بخشیدن به خط مشی ها می داند (Creighton, 1981) یا توماس عامه مردم را تبادل اطلاعات و پذیرش خط مشی از سوی آنان دانسته و این مساله را مهم تر از کیفیت تصمیمات اتخاذ شده قلمداد می کند (Thomas, 1995).

انسجام اجتماعی ۲۳ و بهره گیری از اطلاعات نیز از اهداف دیگری است که با مشارکت عامه تحقق پیدا می کند. شهروندان خط‌مشی‌گذاران را در حکم نمایندگان خود می‌پندارند و هرگاه این احساس بوجود آید که نظرات و اطلاعات آنان به هیچ وجه در تصمیم گیری ها دخالت داده نمی شود نوعی عدم اعتماد و بدبینی نسبت به تصمیم گیرندگان در آنها ایجاد می شود و بی تفاوتی و دلسردی جامعه را فرا می گیرد.

<sup>19</sup> coordination

<sup>20</sup> accountability

<sup>21</sup> Evaluation

<sup>22</sup> Active Citizenship

<sup>23</sup> Social Cohesion

## اهداف مشارکت شهروندان را میتوان در پنج دسته خلاصه کرد:

۱. کشف و شناخت مسایل عمومی؛ جست و جو برای یافتن مشکلات و مسایل عمومی؛
۲. آموزش؛ آگاه شدن شهروندان از مسایل عمومی؛
۳. سنجش دیدگاهها؛ اطلاع از دیدگاهها و نظر شهروندان راجع به مسایل جامعه و راه حل های آن؛
۴. انگیزش؛ ایجاد انگیزه در شهروندان برای تفکر در مورد مسایل جامعه و راه حل یابی برای آنها؛
۵. پذیرش و ایجاد مشروعیت عامه؛ ایجاد پذیرش در جامعه نسبت به خط مشی ها و توجه به نرمهای جامعه در خط مشی گذاری (الوانی و شریف زاده، ۱۳۸۳).

اگر فرایند خط مشی گذاری را شامل مراحل ذیل بدانیم باید به روشنی مشخص شود که مشارکت عامه مردم در کدام مراحل عملی و کار ساز است. این مراحل عبارتند از:

- احساس مشکل (عارضه یابی)؛
- ادراک مشکل (ریشه یابی)؛
- تعیین معیار سنجش (سنجه یابی)؛
- احصای راه حل ها ( راه حل یابی)؛
- ارزیابی راه حل ها (بهبینه یابی)؛
- انتخاب اصلح و اعلام تصمیم (قانونی شدن تصمیم)؛
- ارزیابی و اصلاح خط مشی در اجرا.

حال باید دید شهروندان در کدام یک از مراحل می توانند به طور موثری مشارکت نمایند. برای نمونه، در احساس مشکلات و بیان آنها شهروندان به خوبی قادرند مشارکت داشته و مسائل را به سیستم خط مشی گذاری منتقل نمایند، اما در مرحله ریشه یابی و بررسی های تخصصی شاید مشارکت همگانی نتواند به درستی عمل نماید و باعث تیرگی روابط شهروندان و سازمانهای متولی اجرای آن خط مشی گردد

کریگتون تمامی این پنج دسته اهداف را در تبادل اطلاعات با شهروندان تحقق یافته می بیند. به زعم او با ایجاد ارتباط می توان به کشف مسائل مورد ابتلای مردم، آگاه ساختن آنان از محدودیت ها، آگاه شدن مراجع خط مشی گذار از دیدگاههای شهروندان، و انگیزش و پذیرش عامه مردم، دست یافت. جدول ۱ اهداف مشارکت عامه مردم را در هریک از مراحل تدوین و شکل گیری خط مشی های عمومی نشان می دهد.

### جدول ۱- مراحل فرایند خط مشی گذاری و هدف از مشارکت شهروندان در هر یک از مراحل (الوانی و شریف

زاده، ۱۳۸۳)

مراحل فرایند خط مشی گذاری	هدف مشارکت
احساس مشکل	آگاهی از مشکلات به کمک مشارکت مردم
ادراک مشکل	کمک گرفتن از شهروندان در ریشه یابی مشکلات و آگاه ساختن آنان از مشکلات
تعیین معیار سنج	یاری گرفتن از شهروندان در تعیین معیار سنج
احصای راه حل ها	یاری گرفتن از شهروندان برای تدوین راه حل ها آگاه ساختن شهروندان از مسایل عمومی آگاهی از هنجارهای جامعه در مورد راه حل ها

آگاهی از دیدگاههای شهروندان راجع به مسایل عمومی و راه حل آنها آگاه ساختن شهروندان از راه حل های مشکلات آگاهی از میزان سازگاری راه حل ها با هنجارهای جامعه	ارزیابی راه حل ها
انگیزش شهروندان در اجرای راه حل انتخابی پذیرش شهروندان نسبت به راه حل انتخابی تطبيق راه حل انتخابی با هنجارهای جامعه	انتخاب اصلح و اخذ تصمیم

در هدف کشف و شناخت مسائل عمومی، شهروندان از مسائلی که خط مشی گذاران باید برای آنها راه حل پیدا کنند، آگاه می شوند و این موضوع باعث می شود تا خط مشی گذاران به انتخابهایی دست نزنند که عامه مردم نسبت به آنها هیچ گونه حساسیتی نداشته باشند و همچنین، کشف و شناخت مسائل، نوعی زبان مشترک بین تصمیم گیرنده گان و عامه مردم ایجاد می کند و از بروز بسیاری از سوء تفاهم ها و قضاوت های نادرست جلوگیری می کند. با استمرار مشارکت می توان به تعریف واحد و یکسانی از مسائل رسید که بطور نسبی انعکاس دیدگاه های مختلف جامعه باشد. داشتن زبان مشترک و شفاف شدن مساله از دیدگاههای مختلف در جامعه موجب می شود که مراحل مختلف فرایند خط مشی گذاری با نوعی توافق جمعی شکل گیرد و راه حل نهایی نیز از پذیرش و مقبولیت بالایی برخوردار باشد. البته روشن است که در بیشتر موارد، رسیدن به یک تعریف واحد و راه حل مورد قبول همگان در جامعه یا امری غیر ممکن یا دشوار است، اما مشارکت عامه مردم این نتیجه را خواهد داشت که همه مساله را ارزیابی کرده و راه حل مناسب را انتخاب می کنند و اگر روش انتخاب راه حل منصفانه و درست باشد، اثرات مثبت آن، اثر منفی کنار گذاشته شدن یک راه حل و قبول راه حل دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد. هنگامی که تحصیل گران در جستجوی راه حلهای ممکن برای یک مساله می باشند، مشارکت مردم می تواند در آگاه ساختن آنها، کشف راه حلهای جدید و اعطای مشروعیت دهی به مردمی به آنها موثر باشد. همچنین، در مراحل دیگر ماهیت موضوع در مشارکت دومین بعد در طراحی الگویی که مشارکت موفقیت آمیز شهروندان را تحقق بخشد، ماهیت موضعی است که در خط مشی گذاری مطرح می شود. تحقیقات انجام شده نشان می دهد که مطلوبیت و اثربخشی مشارکت عامه مردم و درست عمل کردن سازو کارهای مشارکتی با توجه به موضوع مورد تصمیم تغییر می نماید (Walters,2000). از این رو درک درست از موضوع مورد تصمیم و ماهیت آن، برای انتخاب استراتژی مناسب مشارکت اهمیت بسیاری پیدا می کند (Thomas,1995). برخی از ویژگی های موضوع طرح شده در خط مشی گذاری می تواند در موفقیت مشارکت عامه نقش موثری داشته باشد. (Mitrof,1973)

در برخی موارد، آگاه ساختن کل جامعه میسر نبوده و ضرورتی نیز ندارد. در مسایل پیچیده یابد گروه های درگیر در موضوع را با استفاده از دانش تخصصی و کارشناسانه، آگاه نمود و گروه های مشاوره ای بوجود آورد که ذینفان را از بدیل های مختلف حل مساله و تجارب علمی آگاه گردانند و بصورت علمی موضوع را برای آنان تحلیل کنند. حال که اهداف مشارکت عامه و ماهیت موضوع مورد نظر در خط مشی گذاری مورد بررسی قرار گرفت باید بین این دو بعد (هدف - موضوع) ارتباط برقرار کرده و راه کارهای ممکن را تشریح نمود. جدول ۲ رابطه بین هدف - موضوع و ساز و کارهای تحقق مشارکت را نشان می دهد.

جدول ۲- هدف-موضوع و راه کارهای پیشنهادی برای تحقق مشارکت عامه (Walters,2000)

کاملا بدون ساختار	نیمه ساختار یافته	کاملا ساختار یافته	ماهیت موضوع تصمیم هدف مشارکت
نظر خواهی از مردم در محله و منطقه	نظر خواهی از گروه های خاص درگیر	نظر خواهی از شهروندان در قالب نمونه	آگاهی از مشکلات به کمک شهروندان
آگاهی از طریق وسایل ارتباط جمعی	آگاهی از طریق وسایل ارتباط جمعی	اطلاع رسانی	آگاهی شهروندان از مسائل عمومی
نظر جوئی از گروه های خاص و ذی نفعان نظر جوئی محلی و منطقه ای	نظر جوئی از گروه های خاص و ذی نفعان نظر جوئی محلی و منطقه ای	نظر خواهی از مردم در قالب نمونه	یاری گرفتن از شهروندان در تعیین معیارهای سنجش راه حل ها
جلسات بحث و گفتگو، آموزش عمومی در مورد موضوع، آموزش گروه های خاص درگیر	جلسات بحث و گفتگو آموزش عمومی در مورد موضوع، آموزش گروه های خاص درگیر	اطلاع رسانی	ترغیب شهروندان به اجرای راه حل های پذیرفته شده
همه پرسسی نظر جوئی عمومی	همه پرسسی نظر جوئی عمومی	اطلاع رسانی	مشروعیت بخشیدن به راه حل ها

#### ۴- نتیجه گیری

شهروندی سازوکاری برای تخصیص حقوق و مطالبات اعضای جامعه است که در نگرش رایج بیشتر در ارتباط با مفهوم دولت معنا یافته است. بنابراین، مفهوم شهروندی از طریق مفاهیمی که در درون نهادها و تأسیسات جدید پدید آمده‌اند، معنا یافته است و حقوق شهروندی مختص آن‌هایی دانسته شده که در یک جامعه سیاسی با ابعاد ملی زندگی می‌کنند. شهروندان باید ضرورت مشارکت در فرایند سیاسی را به خوبی درک کرده و بدانند که دولت اثربخش در رابطه ای دوطرفه قادر به فعالیت است و بدون حمایت و مشارکت عامه مردم نمی‌تواند به خوبی از عهده وظایف بر آید در این صورت، مردم از طرفی دولت را از خود می‌دانند و به یقین می‌رسند که می‌توانند در خط‌مشی‌گذاری در نهایت سرنوشت خود تاثیر بگذارند.

از طرفی برای اینکه یک حکمرانی، حکمرانی خوب تلقی گردد ضروریست کارکردهای مشارکت جویی، نگرش استراتژیک، قانون‌گرایی، شفافیت، اجماع آراء، عدالت جویی، سودمندی و کارآیی و پاسخگویی را دارا باشد.

بنابراین مشارکت شهروندان در مسئله خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی به نوعی دموکراتیزه شدن بنیادی منجر می‌گردد و شهروندان را از حالت بی تفاوتی نسبت به دولت خارج ساخته و آن‌ها را معتقد به سرنوشت خود در جامعه می‌سازد. دموکراسی و مردم‌سالاری در مدیریت دولتی متکی به گسترده ساختن ایده مشارکت عامه مردم است اگر اجازه دهیم شهروندان دستی در حکومت داشته باشند، به آنان فرصت بالنده شدن داده ایم و نیروی عظیمی را برای پیشبرد اهداف دولتی بسیج کرده ایم و در نتیجه به به بخش‌یاز اهداف حکمرانی خوب دست یافته ایم.

- الوانی، سیدمهدی و شریف زاده، فتاح فریبند خط مشی گذاری عمومی نشر دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳
- ایمانی جاجرمی، حسین، صدیق سروستانی، رحمت اله، فیروزآبادی، احمد، تحلیل مدل‌های حکمرانی شهری در انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۴، ۱۳۸۶.
- قاضی پور سجاد، درآمدی بر حقوق شهروندی، جزوه آموزشی، ۱۳۹۵.
- کامیار، غلامرضا. حقوق شهری و شهرسازی. مجمع علمی و فرهنگی مجد. چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- کایر، آنه مته، حاکمیت (مفاهیم کلیدی)، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۶.
- لطفی، حیدر، عدالتخواه، فرداد، میرزایی، مینو، وزیرپور، شبو، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال دوم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸
- معینی علمداری، جهانگیر؛ تأویل و شهروندی، کتاب ماه، علوم اجتماعی، سال ۷، ش ۱۱، شهریور ۱۳۸۳.

Cabinet Office , Good Policy-Making: A Guide to Regulatory Impact Assessment, ([www.cabinet-office.gov.uk/regulation](http://www.cabinet-office.gov.uk/regulation)), 2003.

Creighton, J. L., The Public Involvement Manual (Cambridge, Abtbroks, 1981). 10 Thomas, J.C.,

Thomas, J.C., Public participation in Public Decisions (CA., Jossay-Bass, 1995)

Elliot, Anthony; The Reinvention of Citizenship, in: Culture and Citizenship, edited by Nick Stevenson, London: Sage Publication, 2001.

McKinlay, Peter, "Globalization, Sulosidiarity and Enabling the Governance of our Communities", ۱۹۹۹, [www.mdi.co.nz](http://www.mdi.co.nz).

UNHABITAT, the urban governace index: a tool of the quality of urban governance, Beirut, ۲۰۰۶.

UN-HABITAT, Global campaign on urban Governance: concept paper, 2002

Selznick, P., "The Cooplative Mechanism: in TVA and Grass Roots (Berkeley, University of Calif, 1949).

Turner, Bryan, S.; Outline of a General Theory of Cultural Citizenship, in: Nick Stevenson, Culture and Citizenship, London: Sage Publication, 2001.

Walters, L.C. & Miller, J., Putting More Public in Policy Analysis", PAR, 60(4) July – Aug 2000. 12

Mitrof, I. & Sagasti, F., "Epistemdogy of general system theory", Philosophy of the social sciences, 1973-3 (1)